

راهیابی گنبدخانه به مساجد ایران، روایتی از گسست و پیوست فضا*

عیسی حجت^۱، سعید گلستانی^{۲*}، مهدی سعدوندی^۳

^۱استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۳استادیار دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۳۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۱۳)

چکیده

چهارطاق یا گنبدخانه از دوره ساسانی همواره در معماری ایران، نقشی پررنگ ایفا نموده است؛ به طوریکه پس از ورود اسلام نیز با وجود رواج مساجد شبستانی، به طور کامل کنار گذاشته نشده و به حیات خود ادامه می‌دهد. با این وجود، راهیابی تمام عیار گنبدخانه به مساجد ایران، در عصر سلجوقی صورت می‌گیرد. معماران ایرانی در سده پنجم، گنبدخانه را در قلب مسجد شبستانی جای داده و با استقرار ایوان‌ها در چهار سوی حیاط، مسجد چهار ایوانی را به عنوان الگوی رایج در ادوار بعدی شکل می‌دهند. البته این دستاورد، گسست فضای یکپارچه مسجد شبستانی و بروز برخی تعارضات کارکردی را نیز به همراه دارد؛ که سیر تکامل مسجد در دوران‌های بعد، تا حدود زیادی معطوف به حل آن می‌باشد. این مقاله می‌کوشد پس از تبیین چگونگی راهیابی گنبدخانه به مساجد ایران به روش تفسیر تاریخی، با تطبیق و تحلیل نمونه‌هایی از دوران سلجوقی تا قاجار، نشان دهد که چگونه معماران، علی‌رغم برخی دشواری‌های پیش آمده، سرسختانه کهن الگوی گنبدخانه را حفظ نموده و موفق می‌شوند از طریق ابداعات سازه‌ای و هندسی، گسست پدیدآمده را برطرف نموده و ضمن معرفی الگوی ایرانی مسجد، به یک دستگاه فضایی یکپارچه و متنوع دست می‌یابند.

واژه‌های کلیدی

گنبدخانه، شبستان، فضا، مساجد جامع.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده دوم با عنوان «بالتنگی فضا در کالبد مساجد ایران» است که به راهنمایی نگارندگان اول و سوم در دانشگاه هنر اصفهان در دست تهیه می‌باشد.

** نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۹۱۲۲۱۰۲۱۳۷، نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۳۳۲۷۷، E-mail: Said.golestani@gmail.com

مقدمه

معارض است. اما اینکه چرا با وجود این تعارض، مساجد ساده "شبستانی" یا به گفته مرحوم پیرنیا "مساجد بومسلمی"، به دست ایرانیان به الگوی چهارایوانی و گنبدخانه دار تغییر می یابند؛ سوالی است که برخی تلاش کرده اند پاسخی برای آن بیابند. حشمت... متدین (۱۳۸۶) در مقاله خود با جمع بندی نظرات دیگران دلایل زیر را مطرح می سازد:

۱- تاکید بر جهت قبله

۲- مقابله با نقشه عربی^۱

وی در نتیجه گیری خود، بیشتر بر تلاش معماران ایرانی برای دستیابی به الگویی با هویت ایرانی تاکید می نماید. البته باید پذیرفت که ایرانیان با رجعت به الگوهای کهن معماری ساسانی به این مهم نایل آمده اند و گونه ای متمایز و اصیل از مساجد را به معماری جهان عرضه داشته اند؛ چرا که برخلاف دو گونه دیگر مساجد جهان اسلام یعنی ترکی و عربی که از کلیساهای بیزانس و بازیلیک های رومی اقتباس نموده اند؛ الگوهای کهن سرزمین خود را منبع الهام خود قرار داده اند. از سوی دیگر کسانی چون محمدکریم پیرنیا، عدم تناسب مساجد شبستانی اولیه با ذایقه ایرانیان را یکی از دلایل ابداع مساجد چهار ایوانی و گنبددار می داند: «مسجدها و خدایخانه ها جز سایبان ساده و بی پیرایه ای نبود... اما ایرانی زبیاپرست تاب این سادگی را نیاورد. چیزی نگذشت که معماری با شکوه ساسانی با همه پیرایه ها و زیبایی هایش در خدمت مسجد درآمد...» (پیرنیا، ۱۳۵۳).

از دیگر دلایلی که در این زمینه مطرح شده است، ساخت گنبدخانه به مثابه "مقصوره" برای تامین امنیت امام جماعت می باشد.^۲ با این همه، آنچه که به قطعیت می توان گفت؛ آنست که معماران ایرانی برای صورت دادن به این تحول، دلایلی وای عملکرد را مدنظر داشته اند. همانگونه که هیلن براند^۳ معتقد است: «ایوان و گنبدخانه به سرعت جای خود را در معماری مساجد باز کردند و به واسطه قدرت مفصل بندی خود، طبیعت گسترده تری از بیان های معمارانه را نسبت به آنچه نقشه عربی می توانست از پس آن برآید عرضه نمودند» (هیلن براند، ۱۳۸۰، ۹۷).

از سوی دیگر، معماران از طریق تلاش برای حل تعارض پیش آمده، راهی برای بروز خلاقیت های بعدی در معماری ایران باز گشودند. این مقاله، روایتگر تلاش معماران ایرانی در طول حدود هشت قرن برای پیوستن فضای گنبدخانه به صحن و شبستان است. در این راستا، ابتدا به تاریخ پیدایش چهارطاق در ایران و چگونگی راهیابی آن به مسجد پرداخته شده و سپس روند ادغام گنبدخانه در فضای مسجد و شیوه های به کار گرفته شده از سوی معماران به منظور تحقق این مهم تشریح شده است.

با توجه به کارکرد اصلی مسجد به عنوان جایگاه برگزاری نمازهای جماعت و الزامات آن به ویژه پیوستگی صفوف و عدم وجود مانع و حایلی میان نمازگزاران و امام جماعت، گونه مساجد ساده شبستانی، بهترین پاسخ را به لحاظ عملکردی ارائه می داده اند. از سوی دیگر با توجه به تاکید دین اسلام بر سادگی، در سال های اولیه ظهور اسلام، تلاش زیادی برای نوآوری در طرح مساجد صورت نگرفته است.

با وجود غلبه بی چون و چرای مساجد ساده شبستانی بر سایر گونه ها در قرون اولیه اسلام، بعضی از «مساجد جامع» نشانه هایی از تمایز را ضمن حفظ چارچوب مساجد شبستانی از خود بروز می دهند. این تغییرات هر چند جزئی، خبر از ورود جریانی از آرمان ها، فنون و مصالح بیگانه می دهد که به صورت تعیین کننده ای، سادگی ابتدایی مسجد عربی را دگرگون ساختند (هیلن براند، ۱۳۸۰، ۴۵). این تغییرات تحت نفوذ عناصر معماری ایرانی و بیزانسی امکان ظهور می یابند. هیلن براند، این وجوه جدید را شامل پنج عنصر «محراب»، «منبر»، «مقصوره» یا محصوره سلطنتی، «ناو» یا راهرو بالا آورده میانه شبستان و «گنبد» می داند. هر چند به نظر می رسد عنصر ایرانی «ایوان» را نیز باید به این موارد افزود. به این ترتیب با ورود این عناصر به معماری مسجد، راه برای دستیابی به گونه های متنوع تری از مساجد هموار می گردد. به طوریکه در میانه قرن پنجم، در عصر سلجوقی، با تبدیل جامع اصفهان به مسجدی چهار ایوانی، گونه ایرانی مسجد پا به عرصه وجود می گذارد.

این ابداع جدید علی رغم آنکه در تمامی ادوار بعد، گونه غالب مساجد ایرانی را شکل می دهد؛ زمینه ساز بروز دشواری هایی به لحاظ عملکردی نیز می گردد. چرا که در فریضه نماز، یکپارچگی صفوف و دید باز نمازگزاران، یک نیاز برای سهولت اقامه نماز جماعت به شمار می رود. در حالی که با راهیابی گنبدخانه به مساجد اولیه، فضای گسترده شبستان از هم گسیخته شده و برقراری پیوستگی صفوف و اقتدای نمازگزاران به امام جماعت با محدودیت هایی روبرو می گردد. این مشکل به ویژه در اولین مساجد از این دست، نظیر مسجد جامع اصفهان که جزوهای قطور گنبدخانه را از فضاهای اطراف جدا می سازد، دیده می شود. عادل فرهنگي در این زمینه چنین اظهار نظر می کند: «صحن و شبستان از نقطه نظر فضایی ترکیبی ارائه می دهند که امکان تشکیل صفوف نماز را به راحتی فراهم می آورند. در چنین فضایی، گردش، دید و حرکت انسانی به راحتی میسر می گردد...» (فرهنگی، ۱۳۷۴). این درحالیست که گنبدخانه از این منظر عنصری ذاتاً محدودکننده به شمار می رود. او معتقد است بررسی چگونگی شکل گیری گنبدخانه در جبهه جنوبی مسجد جامع ساوه در قرن ۵ و گسترش آن به دهانه های مجاور نشانگر کوشش معمار در هماهنگ سازی دو عنصر با محتوای

پیدایش گنبدخانه

عنوان الگویی برای مساجد کوچک مقیاس به حیات خود ادامه داد. پوپ^۴ برای قرون اولیه پس از اسلام به سه گونه مسجد اشاره می‌کند؛ گونه شبستانی، تک ایوان و قبه یا چهار طاقی (پوپ، ۱۳۹۰، ۷۸)؛ از معدود نمونه‌های باقیمانده از مساجد چهارطاقی یا قبه، چهارطاقی یزدخواست در کنار جاده اصفهان - شیراز است که با مسدود کردن سه جبهه و افزودن حیاط، آن را به مسجد تبدیل کرده‌اند. به موجب نوشته اسمیت^۵، این بنا در آغاز اسلام ساخته شده... اما آندره گدار^۶ آن را به دوره ساسانی نسبت داده است (زمانی، ۲۵۳۵).

یکی دیگر از کهن‌ترین مساجد با الگوی گنبدخانه که تا کنون در منابع معماری کمتر به آن پرداخته شده است، مسجدی است که در محوطه باستانی تپه مدرسه واقع در شهر کهن نیشابور توسط هیات باستان‌شناسی موزه مترو پلیتن کاوش شده است. این گنبدخانه به قطر ۹ متر در ۱۱ متر با جرزهایی به قطر حدود ۴ متر با توجه به نوع محراب مستطیل شکل آن و نیز خشت‌های بزرگ به کار رفته، مربوط به قرون اولیه می‌باشد. به دست آمدن سه سکه مربوط به سال‌های ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶ ق، گویای ساخت این مسجد در نیمه اول قرن دوم است. بنا به شواهد به دست آمده و نظرویلکینسون^۷ در دوره سلجوقی، صحن و مناره‌ای به این گنبدخانه افزوده شده است (ویلکینسون، ۱۳۹۱).

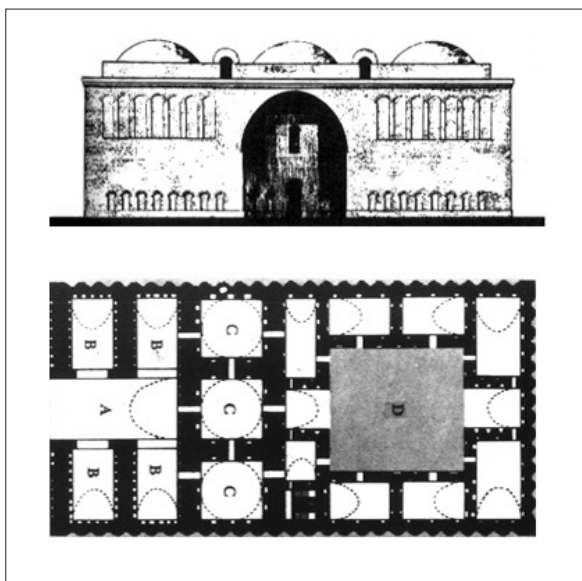
با این وجود، ورود جدی گنبدخانه به مساجد ایرانی در دوره سلجوقی اتفاق افتاده است. در این دوره، گنبدخانه به دو شکل عمده به مساجد ایرانی راه می‌یابد:

۱- افزودن گنبدخانه به مساجد شبستانی پیشین با حذف

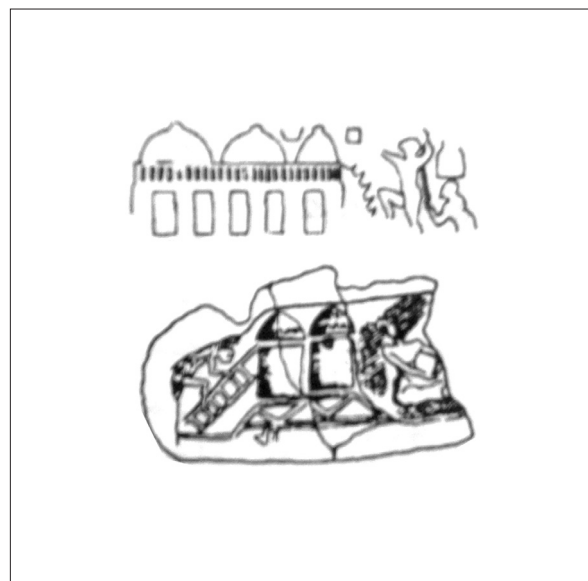
ریشه‌های پیدایش چهارطاق یا گنبدخانه را می‌بایست در معماری پیش از اسلام جستجو کرد. آنگونه که در تصاویر حک شده بر مهرهای ایلامی مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد دیده می‌شود، در ایران و بین‌النهرین از هزاران سال قبل، معماران با پوشش‌های گنبدی کوچک بر روی فضاهای استوانه‌ای سیلوماند آشنایی داشته‌اند. اما بنیان گنبد بر فضای چهار گوش وسیع تنها در دوره اشکانی شکل گرفته است. از دوره اشکانی، آثار مشخصی از پوشش‌های گنبدی بر جا مانده است. اما آنچه سبب می‌شود ابداع گنبد را مربوط به این دوره بدانیم، ساخت گنبدهای وسیع و بزرگ در ابتدای حکومت ساسانی است. بی‌تردید این گنبدها یک شبهه به وجود نیامده‌اند و پیشینه‌ای طولانی در دوره‌های قبل داشته‌اند (محمدی، ۱۳۹۱، ۱۶۸). چهارطاقی بازه هور با گوشه‌سازی از چوب، احتمالاً مربوط به پیش از ساسانی، از کهن‌ترین گنبدهای یافت شده در ایران است. آتشکده فیروزآباد نیز بعد از بنای بازه هور، دومین گنبد بر سطح چهار گوش است که تا به امروز به جای مانده است (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۱۰۸ و ۱۱۳).

راهیابی گنبدخانه به مساجد ایرانی

با ورود اسلام به ایران، سنت‌های معماری ساسانی تا مدتی به حاشیه رانده شد و مساجد ساده شبستانی به الگوی غالب مساجد تبدیل گردید. اما حتی در همان سال‌های نخست نیز چهارطاق ساسانی هیچ‌گاه به طور کامل محو نگردید و به

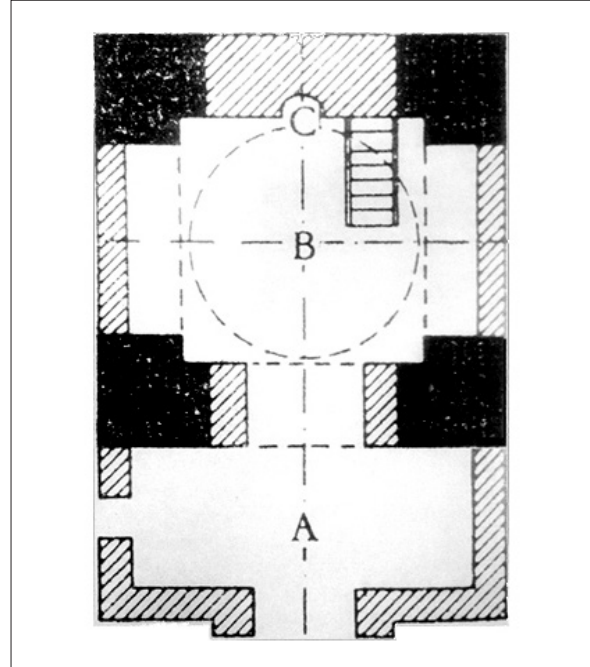


تصویر ۲- آتشکده فیروزآباد.
ماخذ: (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۱۱۲)



تصویر ۱- سیلوهای گنبددار بر روی مهرهای ایلامی.
ماخذ: (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۴۶)

تعدادی از دهانه‌های جبهه جنوبی نظیر جامع اصفهان.
۲- ساخت گنبدخانه به عنوان هسته اولیه مسجد و توسعه آن در دوره‌های بعدی با افزودن شبستان، ایوان و صحن، نظیر مساجد

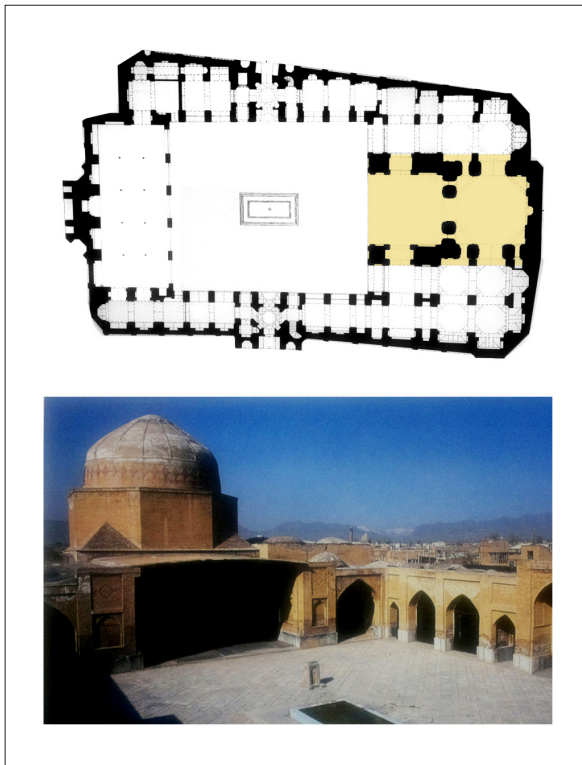


تصویر ۳- چهار طاقی یزدخواست.
ماخذ: (زمانی، ۲۵۳۵)

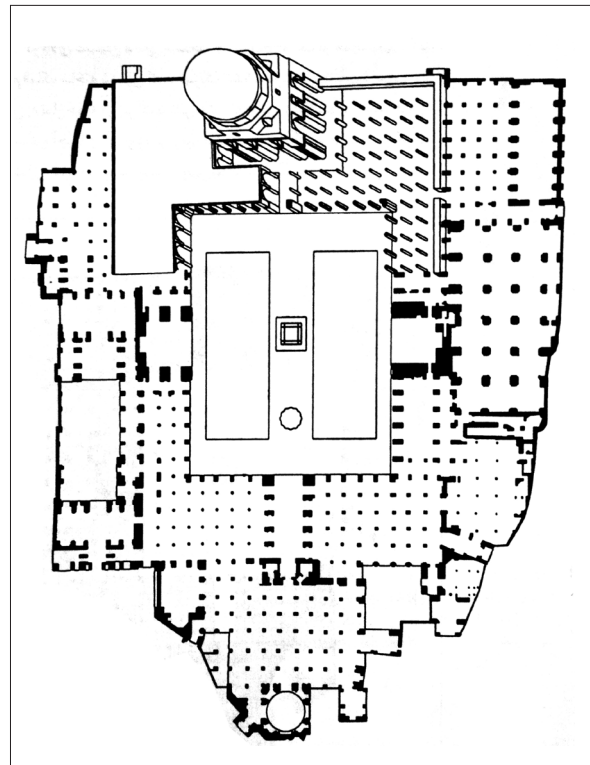
جامع بروجرد، گلپایگان، برسیان، کاج، دشتی، سین و قروه. با نگاهی به روند تحولات فضای گنبدخانه در مساجد ایران و نحوه سازمان یافتن آن در کنار دو فضای اصلی دیگر یعنی حیاط و شبستان، شاهد وفاداری به اصولی هستیم که در تمام دوران‌ها، معماران سرسختانه آنها را در طرح‌های خود به کار بسته‌اند. الف) نقش گنبدخانه به عنوان فضای کانونی مسجد و قلب تپنده آن در تمام دوران‌ها؛ این نقش کانونی از طریق استقرار گنبدخانه در محور بنا، تاکید بر جایگاه آن به عنوان عنصری منفرد و نمادین در پلان و حجم، و جایگیری آن در آخرین نقطه از سلسله مراتب تقرب به بنا تحقق یافته است. همانگونه که پیش‌تر گفته شد، قدرت این عنصر در انتظام بخشی به فضا تا بدانجاست که در نمونه‌هایی نظیر برسیان و بروجرد، گنبدخانه به تنهایی، ایفاکننده نقش مسجد می‌گردد.

ب) حفظ سه بخش اصلی ساختار کالبدی گنبدخانه یعنی زمینه مربع، محدوده انتقال یا گوشه‌سازی و گنبدی دوار بر بالای آن با اندکی تغییرات: از همان زمان که در عصر سلجوقی، گنبدخانه به شکلی تمام عیار به مساجد ایرانی راه یافت؛ انواع شیوه‌های گوشه‌سازی و تکنیک‌های ساخت گنبد اعم از یک پوسته، دو پوسته پیوسته و گسسته نیز ابداع گردیده و در دوران‌های بعد، نوآوری‌های فنی چندانی در این زمینه بروز نمی‌نماید و توجه معماران بیشتر بر غنای تزئینات و توسعه فضایی گنبدخانه متمرکز می‌گردد.

ج) تاکید بر جهات چهارگانه از طریق گشودگی جداره‌های



تصویر ۵- مسجد جامع بروجرد.
ماخذ: (گنجانمه، مساجد جامع)



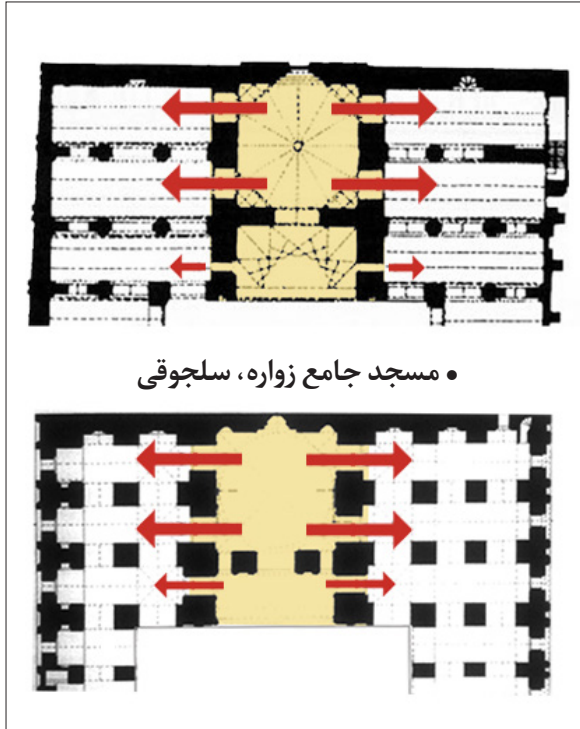
تصویر ۴- راهبایی گنبدخانه به جامع اصفهان.
ماخذ: (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۱۸۰)

برپیشرفته‌تر شدن گنبدخانه به لحاظ سازه‌ای و نیز هندسه و تزئینات به کار رفته، شاهد پیوند روزافزون آن با فضاهای همجوار و نشست هر چه قوی‌تر آن در فضای مسجد هستیم. سید هادی میرمیران از معدود کسانی است که این نکته را مورد توجه قرار

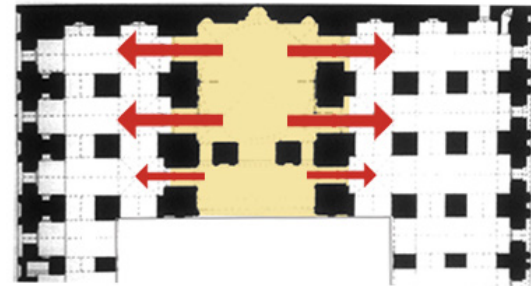
پیرامونی: این اصل چه پیش از اسلام در چهارطاقی‌های ساسانی و چه پس از آن در گنبدخانه مساجد همواره رعایت شده است. البته در مساجد، جبهه جنوبی به سمت قبله به لحاظ فیزیکی مسدود می‌گردد اما عقب نشستگی محراب به عنوان درگاهی برای اتصال به عالم بالا، همچنان به لحاظ مفهومی تداعی‌گر این گشایش است. هر چند در نمونه‌هایی نظیر مصلای سبزوار و مسجد آقابزرگ، سمت قبله نیز کاملاً گشوده است.

گسست و پیوست فضا، روایت جذب گنبدخانه در ساختار فضایی مساجد ایران

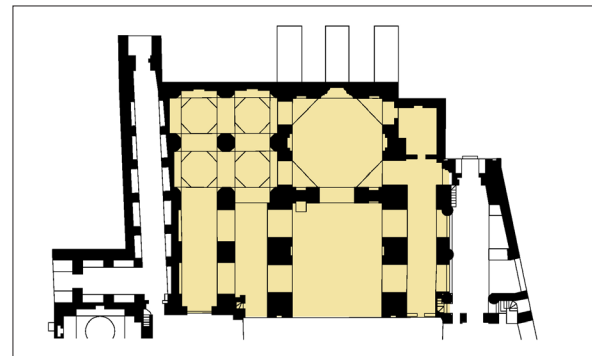
حفظ اصول در طرح‌ریزی گنبدخانه‌ها، هیچ‌گاه به معنای جمود این فضا نبوده است. به طوری که به مرور زمان، علاوه



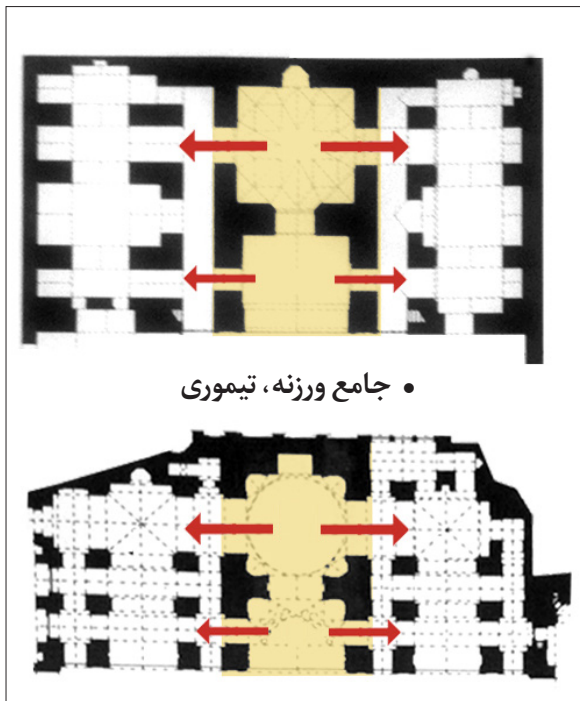
• مسجد جامع زواره، سلجوقی



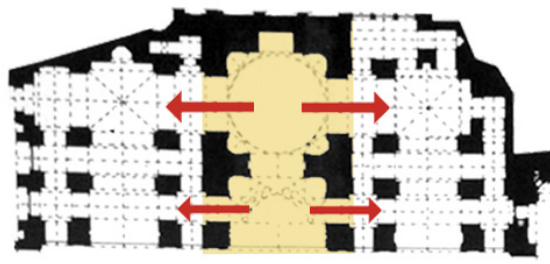
تصویر ۸- مسجد جامع زواره، سلجوقی (بالا): مسجد جامع ورامین، ایلخانی (پایین).
ماخذ: (گنجانمه، مساجد جامع و مساجد اصفهان)



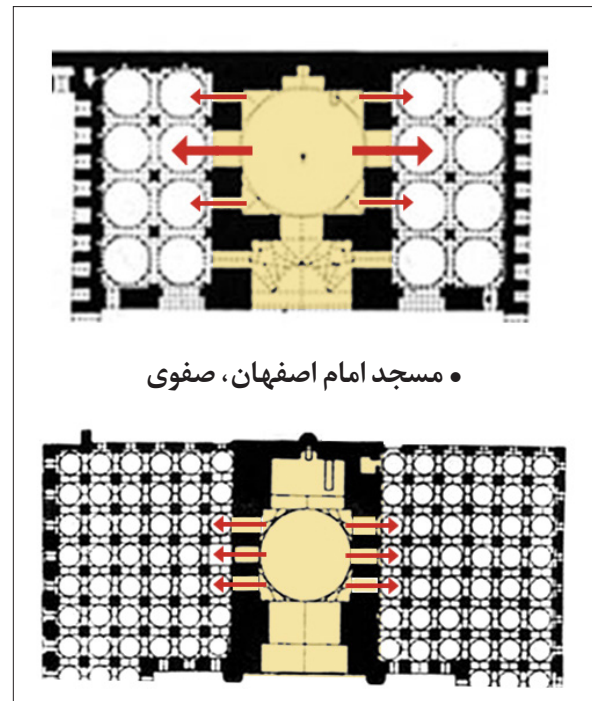
تصویر ۶- مسجد جامع اردستان.
ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)



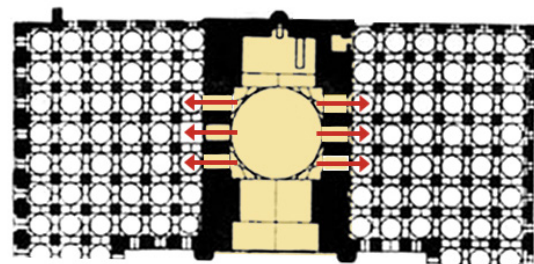
• جامع ورزنده، تیموری



تصویر ۹- مسجد جامع ورزنده، تیموری (بالا): جامع حکیم، صفوی (پایین).
ماخذ: (گنجانمه، مساجد جامع و مساجد اصفهان)



• مسجد امام اصفهان، صفوی



تصویر ۷- مسجد امام اصفهان، صفوی (بالا): مسجد گوهرشاد، تیموری (پایین).
ماخذ: (گنجانمه، مساجد جامع و مساجد اصفهان)

داده است: «کاملاً مشهود است که نیت معماران در طول زمان این بوده که حایل میان فضای گنبدخانه و فضاهای اطراف برداشته شود» (میرمیران، ۱۳۷۹، ۶).

در نمونه‌های اولیه از مساجد گنبددار، نظیر جامع اصفهان و مسجد جامع زواره، شاهد وجود مرزی قوی میان گنبدخانه و شبستان‌های جانبی هستیم، گویی گنبد، قدرتمندانه بخش مرکزی شبستان را به کناری رانده و بی تفاوت در آن جای گرفته است. تنها عامل ارتباطی، باز شوهایی است که با احتیاط و نگرانی از رانش گنبدخانه، درون دیوارهای قطور جانبی تعبیه شده‌اند. اما حتی در اولین مساجد از این دست نیز می‌توان تمایل معماران به پیوستن این فضا به دیگر عرصه‌های مسجد را مشاهده کرد. به طوری که در گنبد مسجد جامع اردستان که به فاصله کمتر از یک سده از گنبد نظام‌الملک برپا شده است؛ معمار تا حدودی موفق شده است از طریق درگاه‌های تعبیه شده در طرفین گنبدخانه و ایوان که از هماهنگی هندسی خوبی با دهانه شبستان‌ها برخوردارند؛ این فضاها را با یکدیگر ادغام نماید. در دوره ایلخانی نیز معماران در طرح‌ریزی مساجدی نظیر جامع ورامین، با در پیش گرفتن همین رویکرد، موفق به خلق

فضایی یکپارچه می‌گردند. این تلاش‌ها در دوره تیموری، صفویه و قاجار با بروز خلاقیت‌های روز افزون به آفرینش فضاهای نو و تنوع بیشتر در مساجد ایرانی منجر شده است.

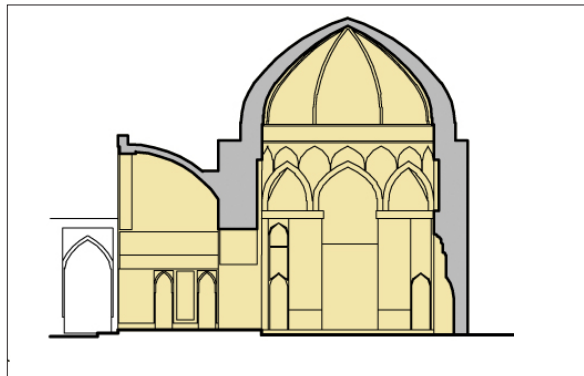
همانگونه که در مقدمه گفته شد؛ چنانچه به مسجد با نگاهی کاملاً عملکردی بنگریم، برای برآوردن کارکرد اولیه مسجد یعنی نماز جماعت، دو ویژگی دید باز و حرکت آزاد برای پیوستگی هر چه بیشتر صفوف، اولویت‌های اصلی به شمار می‌روند که مساجد ابتدایی شبستانی، بهترین پاسخ را به آن داده‌اند. اما معماران ایرانی به دلایلی که از آن سخن گفته شد، با وارد کردن گنبدخانه و ایوان به مسجد، خود را با چالشی روبرو ساختند که سیر تکامل ساختار فضایی گنبدخانه در تمامی دوران‌های بعدی معطوف به حل آن می‌باشد.

به طور کلی جذب فضای گنبدخانه در معماری مسجد و درآمیختن آن با فضای حیاط و شبستان به دو شیوه اساسی زیر صورت گرفته است:

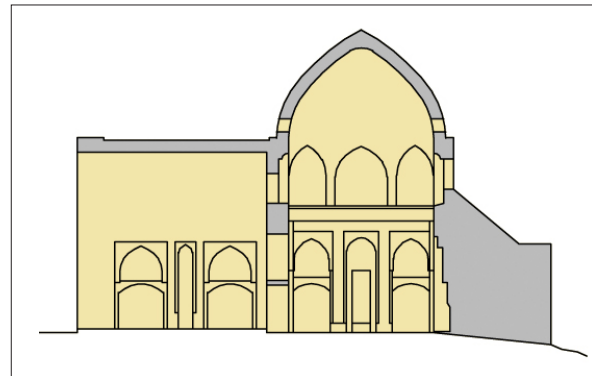
۱- **گشودن جداره‌های پیرامونی**: در این رویکرد به حل مساله ارتباط گنبدخانه و فضاهای همجوار، معماران ضمن حفظ چارچوب کلاسیک گنبدخانه یعنی فضایی مربع شکل و محصور با

تصویر ۱۱- مسجد جامع اصفهان، سلجوقی. ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)

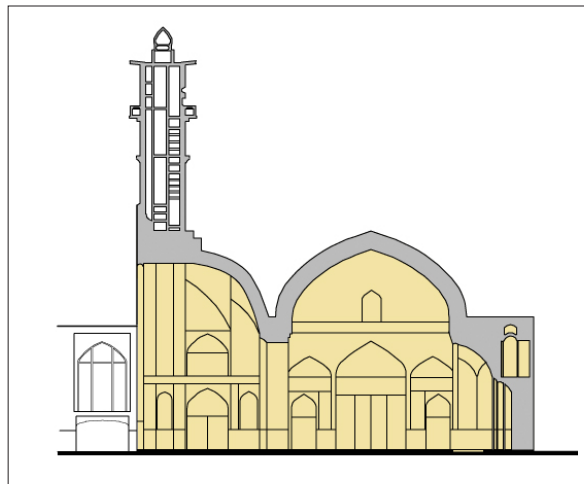
تصویر ۱۰- مسجد جامع اردستان، سلجوقی. ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)



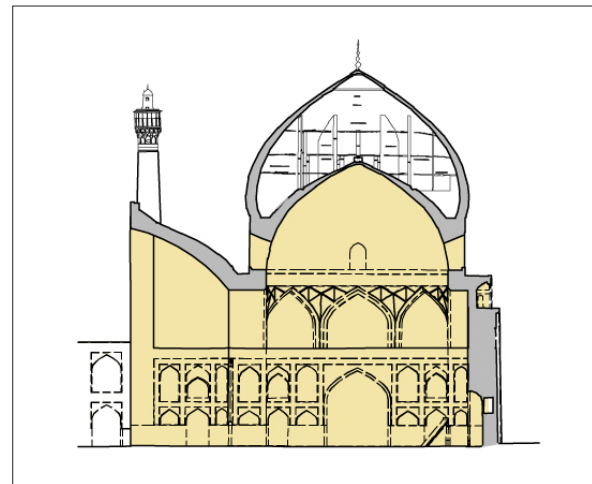
تصویر ۱۱- مسجد جامع اصفهان، سلجوقی. ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)



تصویر ۱۰- مسجد جامع اردستان، سلجوقی. ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)



تصویر ۱۳- مسجد سید اصفهان، قاجار. ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)

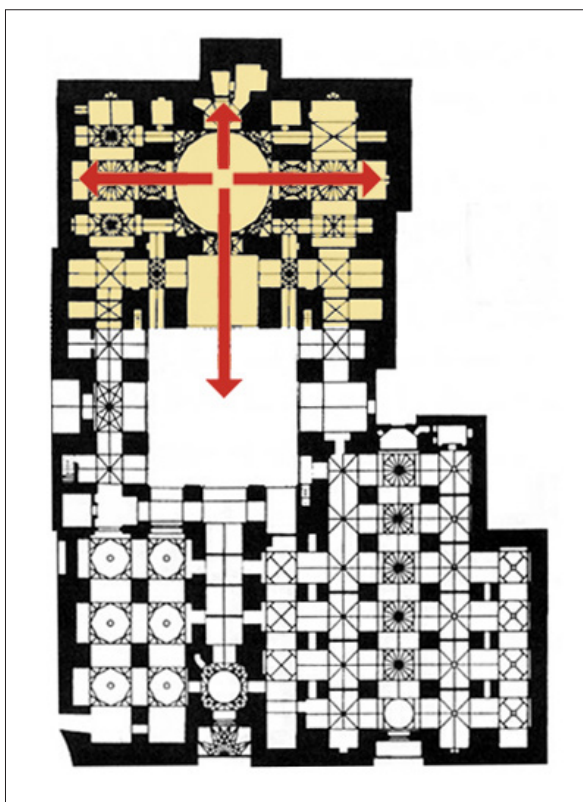


تصویر ۱۲- مسجد امام اصفهان، صفوی. ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)

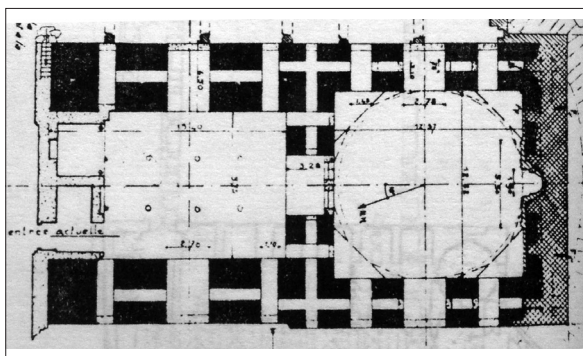
تا بدانجا که گنبدخانه مسجد رحیم خان به گونه‌ای معلق در هوا و در پیوستگی کامل با شبستان‌های جانبی است. در این دو مسجد جبهه محراب نیز به طور جدی به عقب رانده شده و گشایش فضایی به حداکثر رسیده است.

۲- بسط هندسی گنبدخانه: شیوه دوم که منجر به تحولاتی بنیادی‌تر در ساختار فضایی گنبدخانه شده است؛ توسعه گنبدخانه به شکلی تمام عیار به فضاهایی پیرامونی است تا بدانجا که در این گونه مساجد تفکیک فضای شبستان از گنبدخانه دشوار و در مواردی ناممکن است.

شاید بتوان مسجد امیرچخماق یزد مربوط به دوره تیموری را اولین مسجدی دانست که در این گروه جای می‌گیرد. در



تصویر ۱۶- مسجد میر چخماق یزد، تیموری
ماخذ: (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۲۵۲)



تصویر ۱۷- مسجد جمعه اردبیل، سلجوقی.
ماخذ: (زمانی، ۲۵۳۵)

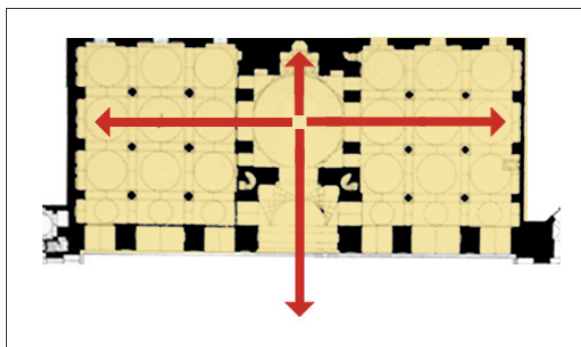
چهار دیوار قطور، تلاش نمودند با گشایش هر چه بیشتر دیوارهای جانبی، این ارتباط را تسهیل و تقویت نمایند. در این دسته از مساجد که دربرگیرنده اکثریت مساجد ایرانی هستند، سه گونه گشایش در جداره‌های جانبی قابل شناسایی است:

۱-۱- با یک بازشوی اصلی در میانه: مساجدی نظیر جامع اشترجان (ایلخانی)، جامع ورزنه (تیموری) و مسجد حکیم اصفهان (صفوی)

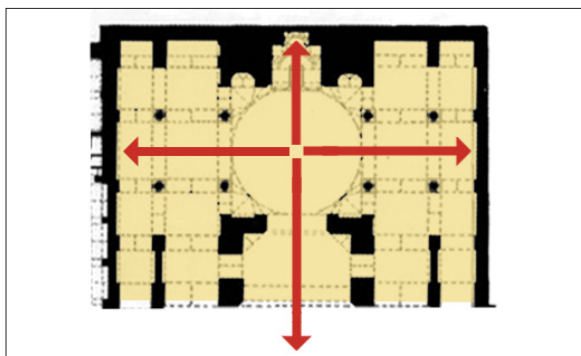
۲-۱- با دو بازشوی اصلی در طرفین: مساجدی نظیر جامع اردستان و زواره (سلجوقی) و جامع ورامین (ایلخانی)

۳-۱- با یک بازشوی اصلی در وسط و دو بازشوی فرعی جانبی: جامع اصفهان، برسیان و بروجرد (سلجوقی)، جامع گوهرشاد و جامع یزد (تیموری)، امام اصفهان (صفوی) و مساجد سید و رحیم خان (قاجار) دیوار حایل و وجود ندارد در این میان، مساجد دوره قاجار که عمدتاً در گونه سوم جای می‌گیرند بیشترین توفیق را در ادغام حداکثری فضای گنبدخانه با شبستان‌های جانبی داشته‌اند. بطوریکه می‌توان گفت آنها تلاش چند صد ساله معماران پیشین در این راه را به سرانجام رسانده‌اند.

این مهم از طریق پیشرفت‌های روزافزون سازه‌ای در مهار رانش گنبدخانه و با استفاده از ستون‌های سنگی که بسیار ظریف‌تر از نمونه‌های آجری بودند، میسر گشته است. دو مسجد سید و رحیم خان در اصفهان نشانگر اوج این موفقیت هستند.



تصویر ۱۴- مسجد سید اصفهان، قاجار.
ماخذ: (مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی اصفهان)

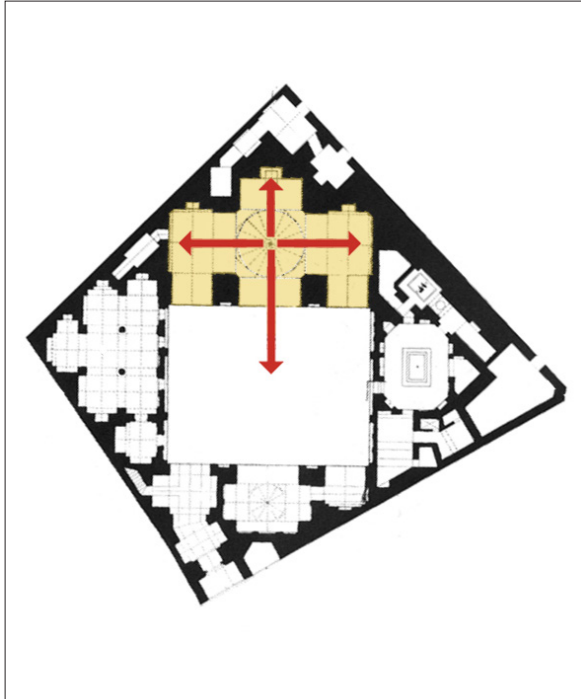


تصویر ۱۵- مسجد رحیم خان، قاجار.
ماخذ: (گنجنامه، مساجد اصفهان)

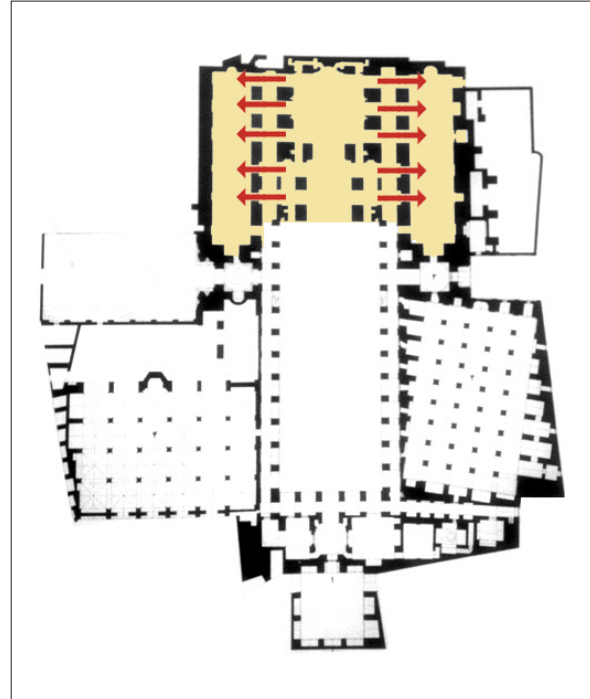
می شود به طوری که برخلاف مسجد هم دوره خود، گوهرشاد از جرزهای قطور جانبی که مرزی قوی با شبستان ها ترسیم می نمایند خبری نیست و رانش گنبد و ایوان با استهلاک مرحله به مرحله از طریق طاق و تویزه های تالارهای کشیده جانبی مهار شده است که این ترفند، راه را برای گسترش فضا در میان جرزها فراهم ساخته است.

گنبدخانه این مسجد، پلانی چلیپایی فضا را به چهارسو بسط داده و مرزهای فضایی را کمرنگ می سازد. به گونه ای که فضای ایستای گنبدخانه به جنبش درآمد و برای اولین بار گنبدخانه نیز به فضایی پویا بدل می گردد.

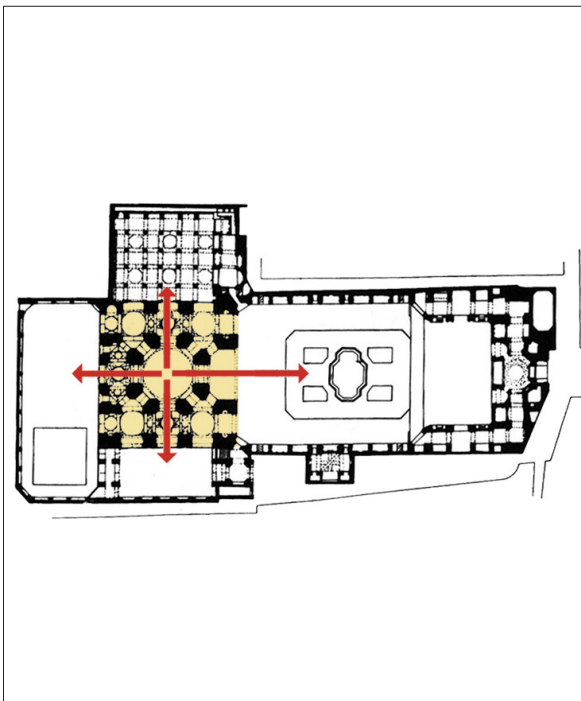
در گنبدخانه مسجد جامع یزد مربوط به قرن هشتم نیز این هماهنگی و ترکیب میان گنبدخانه، ایوان و شبستان ها دیده



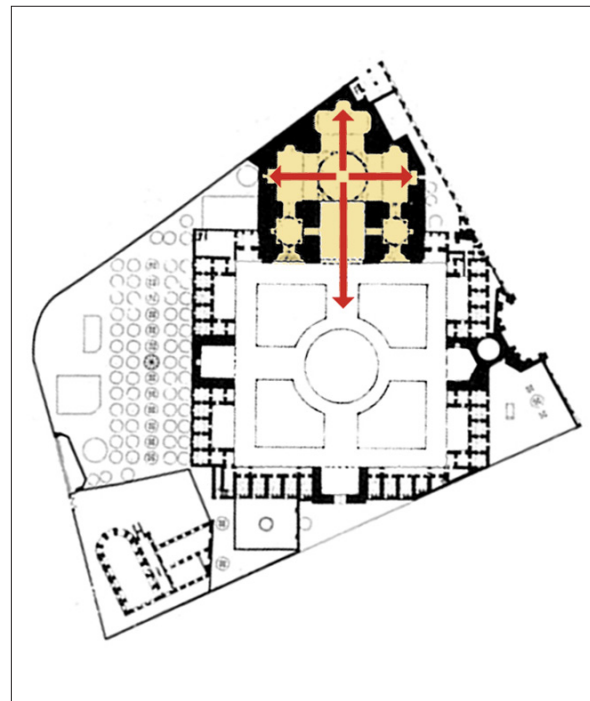
تصویر ۲۰- مسجد شیخ علی خان زنگنه، صفوی.
ماخذ: (گنجنامه مساجد اصفهان)



تصویر ۱۸- مسجد جامع یزد، تیموری.
ماخذ: (گنجنامه، مساجد جامع)



تصویر ۲۱- مسجد آقابزرگ کاشان، قاجار.
ماخذ: (بیرنیا، ۱۳۸۶، ۳۴۲)



تصویر ۱۹- مسجد سپهسالار، قاجار.
ماخذ: (میرمیران، ۱۳۷۹)



تصویر ۲۲- گنبدخانه مسجد آقابزرگ کاشان، قاجار.

در مسجد سپهسالار نیز مشابه شیخ علی خان زنگنه، شاهد پلانی چلیپایی هستیم و در مسجد آقابزرگ، استفاده از زمینه هشت ضلعی و خطوط مورب، راه را برای گسترش همه جانبه فضای گنبدخانه فراهم ساخته است؛ به طوری که گنبدخانه و اندام‌های متصل به آن به تنهایی تمام جبهه قبله را به خود اختصاص داده‌اند. از دیگر نکاتی که تمایل معمار را برای گشایش حداکثری فضا آشکار می‌سازد؛ صرف نظری از محراب و حذف کامل جداره قبله است که در بردارنده نگاهی متهورانه در خلق فضاهای نو می‌باشد.

این تکنیک سبک‌سازی با گنبدخانه مسجد جمعه اردبیل که اساس آن مربوط به دوره سلجوقی می‌باشد؛ قابل مقایسه است. اما این بار تجزیه جرزها تا بدانجا پیش می‌رود که به خلق فضاهایی گسترده و کاربردی منجر می‌گردد.

در دوره صفویه نیز در مساجد نظیر شیخ علی خان زنگنه در اصفهان، با بهره‌گیری از گنبدخانه‌ای با پلان چلیپایی، این فضا با صحن و شستان‌ها به خوبی درهم آمیخته است. از دیگر مساجدی که در این زمره جای می‌گیرند می‌توان به آقابزرگ کاشان و سپهسالار تهران در دوره قاجار اشاره کرد.

نتیجه

یافته‌های این تحقیق همچنین نشان می‌دهد؛ سازمان فضایی مساجد ایرانی، علی‌رغم حفظ اصولی پایدار، هیچ‌گاه دچار سکون نبوده و رو به سوی پیشرفت داشته است. به گونه‌ای که معماران ایرانی با خارج شدن از چارچوب محدود مسجد شبستانی، راه را برای نوآوری‌های بعدی بازگشودند و از طریق تلاش برای حل چالش پیش آمده، الگوهای متنوعی از نحوه ترکیب و هم‌نشینی فضاها را به معماری ایران عرضه داشتند. به این ترتیب روشن می‌گردد که معماران گذشته، هیچ‌گاه راه خلاقیت را بر خود نبسته و با تلاشی پرهیزگارانانه، ضمن حفظ اصولی واحد، در آفرینش هر اثر، نکته‌ای برگزیده و از طریق این هم‌افزایی، معماری ایران را در روندی تکاملی به پیش برده‌اند.

این تحقیق نشان می‌دهد؛ علی‌رغم آنکه ورود گنبدخانه به مساجد ایرانی، موجب بروز گسست در فضای یکپارچه مسجد شبستانی شده و اشکالاتی برای یکپارچگی صفوف نماز پدیدمی‌آورد؛ اما معماران به دلایلی ورای عملکرد، هیچ‌گاه این عنصر را رها نکرده و در طول چند سده تلاش می‌نمایند تعارض پیش آمده را برطرف نموده و گنبدخانه را به سایر اندام‌های مسجد پیوند دهند. تحقق این هدف به دو طریق پی‌گیری شده است؛ اول گشایش بیشتر جداره‌های پیرامونی و تقویت آستانه‌های ارتباطی میان گنبدخانه و شبستان و دوم بسط هندسی گنبدخانه و استحاله آن در فضاها پیرامونی. به این ترتیب معماران ایرانی موفق می‌شوند ضمن معرفی الگوی ایرانی مسجد، به یک دستگاه فضایی یکپارچه نیز دست یابند.

پی‌نوشت‌ها

انتشارات سروش دانش، تهران.
پوپ، آرتور (۱۳۹۰)، معماری ایران، مترجم: غلامحسین صدری افشار، چاپ نهم (اول ناشر)، نشر دات، تهران.
زمانی، عباس (آبان ۲۵۳۵)، تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
فرهنگی، عادل (۱۳۷۴)، سیمای ایوان غربی مسجد جامع ساوه، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد دوم، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
محمدی، مریم (۱۳۹۱)، معماری مساجد ایران در سده‌های نخستین اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران.
میرمیران، سید هادی (۱۳۷۹)، مدرسه سپهسالار، نگاهی به معماری دوره قاجار: شکوفایی فضا، افول ساخت و پرداخت، مجله معمار، شماره ۸، صص ۵۴-۵۷.
متدین، حشمت اله (۱۳۸۶)، چهار طاقی گنبد دار نقطه عطف مساجد ایرانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۱، صص ۳۹-۴۶.
ویلیکینسون، چارلز (۱۳۹۱)، نیشابور، برخی ساختمانهای اوایل اسلام و تزئینات آنها (گزارش معماری موزه مترو پوبلیتن از کاوش های نیشابور)، مترجم هادی بکایان، چاپ معین، مشهد.
هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، معماری اسلامی (فرم، عملکرد و معنی)، ترجمه ایرج اعتصام، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

۱ هیلن براند در کتاب خود مساجد را در سه گروه عمده، شامل نقشه عربی، ایرانی و ترکی قرار می‌دهد. که منظور از نقشه عربی همان مسجد شبستانی یا به تعبیر پیرنیا بومسلمی است.
۲ آنگونه که گالدیری و پیرنیا اعتقاد دارند؛ گنبد نظام الملک در جامع اصفهان در ابتدا به شکل مقصوره و جدا از شبستان ساخته شده است. هر چند این گنبد خانه با مقصوره های رایج در زمان خود به شکل اطاقک‌های مشبک چوبی و سنگی بسیار متفاوت است.
3 R.Hillenbrand.
4 A. Pope.
5 M. Smith.
6 A. Godar.
۷ گروه اعزامی از موزه متروپولیتن نیویورک، طی کاوش‌های خود در شهر کهن نیشابور، موفق به کشف بقایای چند مسجد و محراب گردیدند که در برگزیده شواهد جالبی درباره چگونگی شکل‌گیری مساجد اولیه در خراسان است.

فهرست منابع

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۵۳)، خانه‌های خدا در ایران زمین، مجله هنر و مردم، سال ۱۳، شماره ۱۴۹، صص ۲-۸.
پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی معماری ایران، چاپ پنجم،